



با توجه به فامه پایگاه استنادی علوم جهان اسلام
مورخ ۲۴/۰۶/۹۲، بر اساس رتبه‌بندی
دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی ایران، دانشگاه
پیام نور با جهشی چشمگیر از رتبه ۲۴ در سال
۹۰/۱۳۹۱ در سال ۸ به رتبه ۱۳۹۱ ارتقا یافته است.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

دوفصلنامه علمی - پژوهشی

حکمت صدرایی



دانشگاه پیام نور

سال سوم، شماره اول، پائیز و زمستان ۱۳۹۳

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

دانشیار دانشگاه پیام نور	دکتر علیرضا اژدر
دانشیار مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران	دکتر علی افضلی
استاد دانشگاه امام صادق علیه السلام	دکتر رضا اکبری
دانشیار دانشگاه اصفهان	دکتر سید مهدی امام جمعه
دانشیار دانشگاه الزهرا	دکتر زهره توازیانی
دانشیار دانشگاه قم	دکتر محمد ذبیحی
دانشیار دانشگاه شیراز	دکتر سعید رحیمیان
دانشیار دانشگاه تربیت مدرس	دکتر محمد سعیدی مهر
دانشیار دانشگاه پیام نور	دکتر محمدعلی عباسیان چالشتری
دانشیار دانشگاه پیام نور	دکتر سید علی علم الهی
دانشیار دانشگاه تهران	دکتر امیر عباس علیزمانی
استاد دانشگاه علامه طباطبائی	دکتر حسین کلباسی اشتتری

این مجله براساس مجوز شماره ۹۰/۹۲۷۴ معاونت مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر می شود و براساس شماره مجوز چاپ کمیسیون نشریات ۳/۱۸۶۹۱۷ مورخ ۱۳۹۱/۹/۲۲ کمیسیون نشریات علمی کشور، دارای امتیاز علمی - پژوهشی است.

دوفصلنامه علمی - پژوهشی حکمت صدرایی در تارگاه www.SID.ir نمایه سازی می شود. نویسندها معتبر می توانند مقالات خود را از این تارگاه نیز ارسال نمایند و پژوهشگران ارجمند می توانند متن مقالات را در این پایگاه مشاهده کنند.
تهران - خیابان کریم خان زند - خیابان استاد نجات الهی - چهار راه سپند
پلاک ۲۳۳ - ساختمان دانشگاه پیام نور استان تهران

گروه نشریات - تلفن ۸۸۹۴۰۰۶

وبگاه : <http://pms.journals.pnu.ac.ir>

صاحب امتیاز

دانشگاه پیام نور

مدیر مسئول

دکتر علیرضا اژدر

سردبیر

دکتر رضا اکبری

مدیر داخلی

امیرحسین محمدپور

ویراستار

زهرا فتحی

کارشناس نشریه

رضا شکرالله بیگی

دوفصلنامه علمی - پژوهشی

حکمت صدرایی

سال سوم، شماره اول، پائیز و زمستان ۱۳۹۳

فهرست مقالات

- مفاهیم اعتباری در حکمت اشرافی و حکمت صدرایی:
پژوهشی تطبیقی درباره معقول ثانی از دیدگاه شیخ اشراف و
علامه طباطبایی / ۹
نگارندگان: اسدالله آذیر / مصصومه سورنی
- تحلیل و بررسی تناسخ ملکوتی در فلسفه ملاصدرا / ۲۵
نگارنده: سید حسن بطحائی
- مقایسه دیدگاه بیکن و ملاصدرا در مورد موائع شناخت / ۳۹
نگارندگان: زهره توایانی / فاطمه ترکاشوند
- نحوه موجودیت ماهیت در فلسفه صدرالمتألهین / ۵۵
نگارنده: محمد حسین زاده
- جایگاه هستی‌شناختی فیض منبسط در حکمت متعالیه / ۶۹
نگارندگان: سید مرتضی حسینی شاهروdi / فاطمه استثنایی
- بازخوانی مفاهیم فلسفی در پرتو نظریه وحدت شخصی وجود
صدرالمتألهین / ۸۵
نگارندگان: ابراهیم راستیان / حسین هوشنگی
- بازخوانی نظریه اخلاقی ملاصدرا با تکیه بر «فضیلت‌گرایی»
معاصر / ۹۷
نگارندگان: رضا رضازاده / پریچهر میری
- وجود ذهنی و حقیقت علم؛ تفسیری تجزیه گرا از دیدگاه
ملاصدا / ۱۰۹
نگارنده: محمد سعیدی مهر
- یگانه‌انگاری صدرایی / ۱۲۵
نگارندگان: رضا صفری کندسری / حسین واله



دانشگاه سام نور
پی



دانشگاه امام صادق



دانشگاه علامه طباطبایی



موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران



دانشگاه تهران



دانشگاه قم



دانشگاه اصفهان

ISSN:

2322-1992

دستورالعمل تدوین مقاله در مجلات علمی - پژوهشی دانشگاه پیام نور

محیط Microsoft Word 2003-2007 یا ویرایش‌های بالاتر، و با فاصلهٔ ۲ cm از چپ و راست و فاصلهٔ ۳ cm از بالا و پایین کاغذ انجام شود.

۱۱- دستورهای نقطه‌گذاری در نوشتار متن رعایت شوند. به طور مثال، گذاشتن فاصله قبل از نقطه (.)، کاما (،) و علامت سؤال (?) لازم نیست، ولی بعد از آنها، درج یک فاصله الزامی است.

۱۲- کلیه صفحات مقاله - اعم از متن، شکل، جدول، و تصویر - قطع یکسان و شمارهٔ صفحه داشته باشد و حداقل حجم مقاله، همراه با جدول‌ها و نمودارها، بیشتر از ۲۰ صفحه (۶۰۰۰ کلمه) نباشد.

۱۳- پس از چاپ مقاله، نسخه‌ای از نشریه حاوی مقاله مورد نظر به تعداد نویسنده‌گان، برای نویسنده مسئول مکاتبات ارسال خواهد شد.

۱۴- نحوه ارسال مقاله: ارسال مقاله منحصرآ از طریق سامانهٔ الکترونیکی مجله به آدرس ذیل انجام می‌شود. به مقاله‌های ارسال شده از طریق نامه یا پست الکترونیک نشریه، ترتیب اثر داده خواهد شد:
<http://pms.journals.pnu.ac.ir>

۱۵- مقاله‌های ارسالی باید دارای بخش‌های زیر باشد:
• شناسه مقاله: همراه هر مقاله، اطلاعات ذیل به هر دو زبان فارسی و انگلیسی ارسال خواهد شد:
- عنوان کامل مقاله به فارسی و انگلیسی
- نام و نام خانوادگی نویسنده/ نویسنده‌گان به ترتیب میزان سهم و نیز مرتبه علمی و محل اشتغال یا تحصیل نویسنده/ نویسنده‌گان (به فارسی و انگلیسی)
- نشانی کامل نویسنده مسئول مکاتبات به فارسی و انگلیسی (شامل نشانی پستی، شماره تلفن ثابت، همراه، دورنگار، و نشانی الکترونیکی)
- مشخص کردن نام مؤسسه تأمین کننده مخارج مالی.

• صفحه اول: عنوان کامل مقاله به فارسی، عنوان مقاله - که در وسط صفحه اول نوشته می‌شود - باید خلاصه و گویا و بیان کننده موضوع تحقیق باشد؛ و از ۲۰ کلمه تجاوز نکند. از درج اسمای نگارنده(گان) در صفحه اول مقاله اجتناب شود.

شرایط پذیرش مقاله

۱- مقاله‌های ارسالی باید در زمینهٔ تخصصی نشریه و دارای جنبهٔ پژوهشی و حاصل کار پژوهشی نویسنده یا نویسنده‌گان باشد.

۲- مقاله‌های برگرفته از پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویان با نام استاد راهنمای، مشاوران و دانشجو و با تأییدیه استاد راهنمای و مسئولیت وی منتشر می‌شود.

۳- علاوه بر قرار گرفتن موضوع مقاله در دامنهٔ تخصصی مجله، مقاله یا بخشی از آن نباید در هیچ مجله‌ای در داخل یا خارج از کشور در حال بررسی بوده یا منتشر شده باشد، یا هم‌زمان برای سایر نشریه‌ها ارسال نشده باشد. مقالات ارائه شده به صورت خلاصه مقاله در کنگره‌ها، سمپوزیوم‌ها، سمینارهای داخلی و خارجی که چاپ و منتشر شده باشد، می‌تواند در قالب مقاله کامل ارائه شوند.

۴- زبان رسمی نشریه فارسی است (با این حال مقاله‌های به زبان انگلیسی نیز قابل بررسی خواهد بود).

۵- مقاله‌های ترجمه شده قابل پذیرش نیست.

۶- نشریه در ردیا قبول، ویرایش، تلخیص یا اصلاح مقاله‌های پذیرش شده آزاد است و از بازگرداندن مقاله‌های دریافتی معذور است.

۷- مسئولیت صحّت و سقم مطالب مقاله به لحاظ علمی و حقوقی و مسئولیت آراء و نظرات ارائه شده، بر عهده نویسنده نویسنده مسئول مکاتبات است و چاپ مقاله، به معنی تأیید تمام مطالب آن نیست.

۸- مقاله‌های علمی - مروری از نویسنده‌گان مجرّب در زمینه‌های تخصصی، در صورتی پذیرفته می‌شود که به منابع معتبره استناد شده و نوآوری داشته باشند.

۹- اصل مقاله‌های ردیا شده یا انصراف داده شده، پس از شش ماه از آرشیو مجله خارج خواهد شد و مجله هیچ‌گونه مسئولیتی در قبال آنها نخواهد داشت.

۱۰- حروفچینی مقاله‌های ارسالی باید در کاغذ A4، دو ستونه، با فاصلهٔ تقریبی میان دو ستون و میان سطور ۱ cm، با قلم B Lotus نازک ۱۲، برای متن‌های لاتین با قلم Times New Roman نازک ۱۱ با فاصلهٔ تقریبی میان سطور ۱ cm، و برای متن‌های عربی با قلم B Badr، با فاصلهٔ تقریبی میان سطور ۱ cm، در

- منابع اینترنتی: (نام خانوادگی نویسنده یا نام فایل html، تاریخ یا تاریخ دسترسی به روز، ماه، سال)
 - نحوه ارجاع در قسمت منابع در پایان مقاله: (توجه: در صورت مشخص نبودن نویسنده، تاریخ نشر یا ناشر از عبارت‌های بی‌نا، بی‌تا و بی‌جا استفاده شود)
 - کتاب: نام خانوادگی، نام نویسنده/نویسنده‌گان. (سال انتشار). عنوان کتاب. محل نشر: ناشر. نوبت ویرایش یا چاپ.
 - کتابی که به جای مؤلف، با عنوان سازمان‌ها یا نهادها منتشر شده است: نام سازمان یا نهاد. (سال انتشار). عنوان کتاب. محل نشر: مؤلف. نوبت ویرایش یا چاپ.
 - فصلی از یک کتاب یا مقاله‌ای از یک مجموعه مقاله که به وسیله افراد مختلف نوشته شده اما مؤسسه یا افراد معینی آن را گردآوری و به چاپ رسانده‌اند: نام نویسنده/نویسنده‌گان. (سال انتشار). عنوان مقاله. نام گردآورنده. نام مجموعه مقالات، شماره صفحات درج فصل کتاب یا مقاله. محل نشر: ناشر.
 - کتابی که مؤلف خاصی ندارد: عنوان کتاب. (سال انتشار). محل نشر: ناشر. نوبت ویرایش یا چاپ.
 - کتاب ترجمه شده: نام خانوادگی، نام نویسنده/نویسنده‌گان. (سال ترجمه). عنوان کتاب به فارسی: نام و نام خانوادگی مترجم. محل نشر: ناشر.
 - پایان‌نامه: نام‌خانوادگی نگارنده پایان‌نامه، نام. (سال). عنوان. ذکر پایان‌نامه بودن منع. دانشگاه.
 - مقاله: نام‌خانوادگی، نام نویسنده/نویسنده‌گان (سال).
 - عنوان مقاله، نام نشریه. صاحب امتیاز، سال، دوره یا شماره، شماره صفحات درج مقاله.
 - مقاله‌های چاپ شده در روزنامه‌ها: نام خانوادگی، نام نویسنده (سال، روز، ماه). عنوان مقاله: نام روزنامه، شماره صفحه.
 - مقاله ترجمه شده: نام‌خانوادگی، نام نویسنده (سال).
 - عنوان مقاله، (نام و نام‌خانوادگی مترجم با ذکر عنوان مترجم). نام نشریه‌ای که مقاله ترجمه شده در آن درج شده. صاحب امتیاز، سال، دوره یا شماره، شماره صفحه‌ها.
 - منابع قابل دسترسی از طریق شبکه جهانی وب یا منابع الکترونیکی
 - ◆ کتاب و مجموعه مقالات: نام‌خانوادگی، نام نویسنده. عنوان کتاب. محل نشر: ناشر، تاریخ
 - چکیده فارسی: شامل شرح مختصر و جامعی از محتوای مقاله با تأکید بر طرح مسئله، هدف‌ها، روش‌ها و نتیجه‌گیری است. چکیده، در یک پاراگراف و حداقل در ۲۵۰ کلمه تنظیم شود. در این بخش، نباید از کلمات اختصاری تعریف نشده، جدول، شکل و ارجاع استفاده شود.
 - واژگان کلیدی فارسی: (۳ تا ۷ واژه) واژه‌های کلیدی به نحوی تعیین شوند که بتوان از آن‌ها در تهیه فهرست موضوعی (Index) استفاده کرد.
 - چکیده انگلیسی (Abstract) و واژگان کلیدی انگلیسی: برگردان کامل عنوان، متن و واژگان کلیدی چکیده فارسی، باید با مقاله همراه باشد.
 - لازم است مقاله دارای مقدمه (مشتمل بر طرح مسئله، مرور پژوهش‌های انجام شده، روش تحقیق، منطق حاکم بر ترتیب مباحث مقاله) و نتیجه باشد.
 - معادل فارسی مفاهیم و نام‌های خارجی در پی‌نوشت ذکر شود.
- نحوه ارجاع**
- ارجاع مأخذ در متن مقاله، داخل پرانتز به روش APA مشخص شود و در قسمت مراجع، مشخصات کامل منبع به ترتیب حروف الفبا آورده شود. فقط منابع استفاده شده در متن، در فهرست منابع ارائه شوند. منابع باید مستند و معتبر بوده و به ترتیب حروف الفبای نام‌خانوادگی نویسنده (گان)، با تورفتگی ۰/۵ سانتیمتر برای خطوط دوم و بعد از آن (Hanging) مرتب شوند. ذکر منابع در متن مقاله، با ارجاع به نگارنده (گان) و سال انتشار منبع صورت گیرد. وقتی از چند اثر مختلف یک نویسنده استفاده می‌شود، شماره‌گذاری این منابع به ترتیب سال انتشار آن‌ها (از قدیم به جدید) انجام گیرد. نام مخفف مجلات باید بر اساس نام استاندارد آن‌ها در لیست ISSN - که از طریق آدرس اینترنتی زیر قابل دسترسی است - در فهرست منابع درج شود:
- <http://www.nlai.ir>
- نحوه ارجاع در داخل متن**
- منابعی که یک یا چند نویسنده دارد: (نام‌خانوادگی نویسنده/نویسنده‌گان، سال: صفحه)
 - منابعی که از نوشتۀ دیگران نقل قول شده است: (نقل از، سال: صفحه)

[Homepage ...]. تاریخ انتشار یا آخرین ویرایش
(در صورت وجود). [نوع رسانه: ... On Line, ...]
[تاریخ مشاهده].

- ◆ فایل صوتی: نام خانوادگی، نام صاحب فایل. «نام فایل» [Sound File]. «ذکر فرمت فایل». [On Line, ...]. [Line, ...]. [تاریخ مشاهده].
- ◆ فایل تصویری: نام خانوادگی، نام صاحب فایل. «نام فایل» [Image File]. «ذکر فرمت فایل». [On Line, ...]. [تاریخ مشاهده].
- ◆ فایل ویدئویی: «نام فایل» [Video File]. «ذکر فرمت فایل». [On Line, ...]. «نشانی دسترسی». [تاریخ مشاهده].
- ◆ پست الکترونیک: نام خانوادگی، نام فرستنده نامه.
(نشانی الکترونیکی فرستنده). تاریخ ارسال نامه به روز، ماه، سال. «موضوع نامه». نام و نام خانوادگی گیرنده نامه (نشانی الکترونیکی گیرنده).

۱۶- مقالاتی که بر اساس مندرجات این راهنمای تهیه نشده و مطابقت نداشته باشند، بررسی نخواهد شد.

۱۷- مسئولیت هر مقاله از نظر علمی، ترتیب اسامی و پیگیری، به عهده نویسنده مسئول آن خواهد بود.
نویسنده مسئول باید تعهدنامه ارسال مقاله را از سایت دانلود و پس از اخذ امضای تمامی نویسنده‌گان، به دبیرخانه مجله ارسال نماید.

۱۸- تعداد و ردیف نویسنده‌گان مقاله، به همان صورتی که در نسخه اولیه و زمان ارائه به دفتر مجله مشخص شده، مورد قبول است و تقاضای حذف یا تغییر در ترتیب اسامی نویسنده‌گان، فقط قبل از داوری نهایی و با درخواست کتبی تمامی نویسنده‌گان و اعلام دلیل قابل بررسی است.

۱۹- مقالات توسط هیأت تحریریه و با همکاری هیأت داوران ارزیابی شده و در صورت تصویب، طبق ضوابط مجله در نوبت چاپ قرار خواهند گرفت.
هیأت تحریریه و داوران مجله، در رده یا قبل، اصلاح مقالات و بررسی هر گونه درخواست نویسنده‌گان)، دارای اختیار کامل می‌باشند.

۲۰- گواهی پذیرش مقاله، پس از اتمام مراحل داوری و ویراستاری و تصویب نهایی هیأت تحریریه،
توسط سردبیر مجله صادر شده و به اطلاع نویسنده مسئول خواهد رسید.

انتشار. تاریخ آخرین ویرایش در صورت وجود؛
[نوع رسانه: ... On Line, DVD, ...]، [تاریخ مشاهده].

◆ کتاب و مجموعه مقالات بر روی لوح فشرده: نام خانوادگی، نام نویسنده. عنوان کتاب. [CD-ROM]

◆ پایان‌نامه: نام خانوادگی، نام نویسنده. «عنوان پایان نامه»، «قطع تحصیلی و رشته، نام دانشکده، دانشگاه، سال دفاع. [نوع رسانه: ... On Line, ...]، [تاریخ مشاهده].

◆ چکیده مقالات: نام خانوادگی، نام نویسنده. «عنوان مقاله». [ذکر واژه چکیده]. نام مجله، دوره، شماره، ماه، سال: شماره صفحه (در صورت وجود). [نوع رسانه: ... On Line, ...]، [تاریخ مشاهده].

◆ مقاله کنفرانس یا سمینار: نام خانوادگی، نام نویسنده. «عنوان مقاله». عنوان سمینار یا همایش (محل و تاریخ برگزاری روز، ماه، سال). تاریخ انتشار یا آخرین ویرایش: شماره صفحه (در صورت وجود). [نوع رسانه: ... On Line, ...]، [تاریخ مشاهده].

◆ مقاله‌های قابل دسترس از طریق سایتها یا صفحات خانگی: نام خانوادگی، نام نویسنده. «عنوان مقاله». نام سایت یا صفحه خانگی. تاریخ انتشار یا آخرین روزآمد شدن [... On Line, ...]، [تاریخ مشاهده].

◆ مقاله‌های مجلات الکترونیکی: نام خانوادگی، نام نویسنده. «عنوان مقاله». نام مجله، دوره، شماره، ماه، سال: شماره صفحه [...]، [تاریخ مشاهده].

◆ مقاله‌های مجلات الکترونیکی بر روی لوح فشرده: نام خانوادگی، نام نویسنده. «عنوان مقاله». نام مجله، [CD-ROM] دوره، شماره، ماه، سال: شماره صفحه (در صورت وجود).

◆ اطلاعات متعلق به شخصی خاص: نام خانوادگی، نام صاحب صفحه اصلی. [ذکر واژه صفحه اصلی ... Homepage ... Line, ...]، [تاریخ مشاهده].

◆ اطلاعات متعلق به سازمان یا نهادی خاص: عنوان سایت. [ذکر واژه صفحه اصلی

نحوه موجودیت ماهیت در فلسفه صدرالمتألهین

Existence of Quiddity in Mulla Sadra's Philosophy

Mohammad Hoseinzadeh*

محمد حسینزاده*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۱۹

Abstract

Mulla Sadra's view about the ideality of quiddity is interpreted in various, even contradicting, forms. Allamah Tabatabaii's and Ayatollah Fayazi's views on explaining the ideality of quiddity are among the most important interpretations of Mulla Sadra's theory. Allamah Tabatabaii has rejected any external existence of quiddity and has considered it as a mental mirage of reality; whereas Ayatollah Fayazi believes that the ideal quiddity exists externally as well. Ayatollah fayazi holds the belief that attribution of existence to the existing quiddity is an "actual attribution". However, it seems to me that none of the above-mentioned interpretations have explained Mulla Sadra's theory correctly. What can be inferred from Mulla Sadra's works is that quiddity is not externally non-existent and possesses a kind of existence. It is, however, different from the existence of quiddity. For specific reasons, he argues that the term "existent" cannot be used for the existence of quiddity, and has considered this kind of existence as affirmation of thingness. In this paper, Allamah Tabatabaii and Ayatollah Fayazi's interpretations of Mulla Sadra's view as well as mine are discussed at first, and then some of the consequences of such a debate for Mulla Sadra's philosophy are presented.

Keywords: Quiddity, Contracted Existence, Differentiated Existence, Undifferentiated Existence, Affirmative Thingness, Existential Thingness, Mulla Sadra.

چکیده

دیدگاه ملاصدرا درباره اعتباری بودن ماهیت به گونه های متفاوت و بلکه متضاد تفسیر شده است. دیدگاه علامه طباطبائی و فیاضی در تبیین اعتباری بودن ماهیت از مهم ترین تفسیر های نظریه صدرالمتألهین اند. علامه طباطبائی هر گونه موجودیت خارجی ماهیت را نفی کرده و آن را سراب ذهنی واقعیت معرفی کرده است. در حالی که، فیاضی در عین اعتباری بودن ماهیت آن را در خارج موجود می داند. از نظر فیاضی، اسناد وجود به ماهیت موجود شده «اسناد الى ما هو له» است. از نظر نگارنده، هیچ یک از تفسیر های فوق به نحو صحیح نظریه ملاصدرا را منعکس نکرده است. آنچه از عبارات صدرالمتألهین بر می آید این است که ماهیت در خارج معبدوم نیست و یک نحوه موجودیتی در مقابل عدم دارد، اما موجودیتی متفاوت با موجودیت وجود. او به دلایلی خاص اطلاق واژه موجود بر موجودیت ماهیت را صحیح نمی داند و از این نحو موجودیت به شیئت ثبوتی تعبیر کرده است. در این مقاله، پس از بیان تفسیر علامه طباطبائی و فیاضی از دیدگاه صدرالمتألهین، تفسیر مختار را تبیین می کنیم و در پایان برخی از نتایج آن را در فلسفه صدرالمتألهین بر می شمریم.

واژگان کلیدی: ماهیت، وجود اندماجی، وجود تفصیلی، وجود اجمالی، شیئت ثبوتی، شیئت وجودی، صدرالمتألهین.

* PHD student of transcendent philosophy, Institute for Humanities and Cultural Studies,
phsadra@gmail.com

* دانشجوی دکتری رشته حکمت متعالیه، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

او را با یکدیگر آشتبه دهیم و غبار برخی ابهامات را از فلسفه او بزداییم.

۱- اعتباری بودن ماهیت از نگاه علامه طباطبائی

دیدگاه علامه طباطبائی راجع به اعتباری بودن ماهیت را می‌توان در ضمن محورهای زیر بیان کرد:

۱- ماهیت در خارج تحقق ندارد و فقط در ظرف عقل محقق است (طباطبائی، ۱۴۱۹ ق: ۱۶۶).

۲- این طور نیست که ماهیت با جعل و ایجاد عقل بدون ارتباط با خارج ایجاد شده باشد؛ چراکه در این صورت نسبت به همه موجودات خارجی یکسان بود، به طوری که بالضرورة یا بر همه صادق و یا بر همه کاذب بود، در حالی که چنین نیست، بلکه دائمًا و بدون تخلف و اختلاف بر بعضی صادق و بر بعضی دیگر کاذب است (همان).

۳- بنابراین ماهیت از خارج و از حدود وجودی گرفته شده است (همان).

۴- شیوه به دست آمدن ماهیت از حدود وجودی به این صورت است که هنگام علم به امور مادی، نفس موجود خارجی مجردی را که مرتبه کامل مطلوب مادی است به علم حضوری ادراک می‌کند، زیرا علم پیوسته به موجود مجرد تعلق می‌گیرد نه به موجود مادی محفوف به قوه و استعداد (همان: ۱۶۷-۱۶۶).

۵- ارتباط و اتصال نفس با موجودات مادی از طریق حواس موجب می‌شود تا نفس به اشتباه آن معلوم مجرد را بر مطلوب مادی منطبق کند و بگوید آنچه یافته‌ام همان مطلوب مادی است (همو، ۱۴۲۰ ق، الف: ۱۶۷؛ همو، ۱۴۲۰ ق، ب: ۱۸۸، ۲۹۶).

۶- اگرچه نفس از روی خطای، این همانی معلوم مجرد با مطلوب مادی را به نحو عینیت می‌داند، اما در واقع این حمل و انطباق حمل

مقدمه

درباره اصالت وجود به منزله یکی از ارکان حکمت متعالیه بحث‌های فراوانی مطرح شده، اما بحث از اعتباری بودن ماهیت، به منزله روی دیگر سکه اصالت وجود، جای خود را در میان مباحث حکمت متعالیه پیدا نکرده است. فیلسوفان صدرایی، در عین حال که وجود را اصیل دانسته‌اند، تفسیرهای مختلفی از اعتباری بودن ماهیت ارائه کرده‌اند. برخی عبارات مبهم، متفاوت و به‌ظاهر متشتّت صدرالمتألهین یکی از مهم‌ترین عوامل اختلاف این تفاسیر بوده است. این بحث با مباحثی نظیر وجود ذهنی، علم واجب، بسیط الحقيقة، چگونگی صدور موجودات از واجب تعالی، تبیین کثرت موجودات ممکن و تبیین دیدگاه عرفا راجع به وجود حق تعالی و تعینات آن ارتباط مستقیم دارد؛ از این رو نحوه نگرش ما به آن در هر یک از مباحث فوق تأثیر مستقیم دارد.

در سال‌های اخیر کتاب‌ها و مقالات ارزشمندی درباره این موضوع نوشته شده است که از میان آن‌ها می‌توان به کتاب هستی و چیستی در مکتب صدرایی نوشته فیاضی و مقاله «اعتباری بودن ماهیت از عرش عینیت تا فرش سراییت» به قلم معلمی اشاره کرد. به اعتقاد نگارنده، در هیچ‌یک از آثاری که در این زمینه نگاشته شده موجودیت ماهیت به نحو شیئت ثبوت تبیین نشده است. تبیین شیئت ثبوتی قادر است تا در عین حال که برای ماهیت یک نحوه وجودی قائل است به وجود بالعرض آن نیز حکم کند.

در این مقاله تلاش می‌کنیم، پس از بیان تفسیرهای علامه طباطبائی و فیاضی از اعتباری بودن ماهیت، با استفاده از عبارات متعدد صدرالمتألهین و نیز کارکردهای مختلفی که برای ماهیت ارائه کرده، تفسیری جدید از دیدگاه او ارائه کنیم تا در سایه آن، عبارات به‌ظاهر متشتّت

مادی و مجرد، واحد و کثیر و مانند آن می‌گردداند؛ از این‌رو، این تعبیر رایج که «ماهیات حدود وجودات‌اند» تعبیر صحیح نیست و استعمالی مجازی است. تعبیر صحیح این است که گفته شود «ماهیات اعتبار حدود وجودات‌اند» (همو، ۱۴۱۹ ق: ۱۶۷).

۱۳- مراد از حد وجودی ویژگی‌ها و خصوصیات وجود است که وجود مورد نظر را از وجود دیگران جدا می‌کند (همو، ۱۳۸۸: ۲/۱۴۰). چنین حدی که ما به الامتیاز وجود است خارج از حقیقت وجود نیست و بنا بر تشکیک از سنخ وجود است (همو، ۱۴۱۹ ق: ۱۶۵)؛ همین اختلاف وجودی است که موجب شده حکما ماهیات را [در مرحله اول علم] به عنوان «انحاء الوجودات» معرفی کنند و تمیز در ماهیات و اختلاف آثار را در مرحله دوم علم (مرحله اعتبار ماهیت و علم حصولی) به آن مستند کنند (همو، ۱۴۲۰ ق، ب: ۲۰).^۱

بنابراین حد وجود امری عدمی نیست، به همین دلیل تقسیم حد به سه قسم حد وجودی، حد ماهوی و حد عدمی صحیح نیست و حد منحصر در دو قسم خواهد بود: حد وجودی (حد وجود) و حد ماهوی (اعتبار حد وجود) (همان: ۱۶۸).

از آنچه بیان شد این نکته روشن می‌شود که تفسیر «حد وجود» به نفاد و پایان وجود و عدمی دانستن آن (فیاضی، ۱۳۸۷: ۳۷-۳۸؛ یزدان‌پناه، ۱۳۸۸: ۱۷۶-۱۷۷) تفسیر صحیحی نیست.

۱۴- از مباحثی که بیان شد این نکته روشن می‌شود که تحقق ماهیات تحقق سرابی است؛ به این معنی که ماهیات صور علمی و ظهوری‌اند که در حقیقت متعلق به امور مادی نیستند، بلکه متعلق به موجود مجردند و موجودات مادی فقط محلی برای رؤیت آن صور علمی‌اند، چنان که صورت آب در سراب و صورت جسم رؤیت شده در آینه نیز صوری‌اند که به راستی دیده می‌شوند، اما متعلق به زمین شوره‌زار و آینه نیستند، بلکه

حقیقت و رقیقت است؛ چراکه معلوم مجرد علت مطلوب مادی است و کمالات آن را به نحو اعلی و اشرف دارد (همو، ۱۴۱۹ ق: ۱۶۷).

۷- این حمل حقیقت و رقیقت علم نفس به مطلوب مادی را تأمین می‌کند. این علم - که آن را مرحله اول علم به مطلوب مادی می‌نامیم - حصولی نیست، بلکه از طریق مشاهده حضوری کمال مطلوب مادی در علت مجرد صورت می‌گیرد.

۸- هنگامی که عقل از روی خطاب موجود مجرد را بر مطلوب مادی به نحو عینیت منطبق می‌کند، آثار مطلوب مادی را در معلوم خود نمی‌یابد به همین دلیل حکم می‌کند که اشیاء دو سنخ وجود دارند: وجود عینی دارای آثار مطلوب و وجود ذهنی فاقد آن آثار. در این حکم، امر مشترک بین وجود ذهنی و خارجی که در هر دو وجود محفوظ است همان ماهیت است (همان).

۹- این حکم همان اعتبار ماهیت است که در اثر تطبیق خطابی معلوم مجرد بر مطلوب مادی به اضطرار از نفس صادر می‌شود (همان).

۱۰- این مرحله - که آن را مرحله دوم علم به مطلوب مادی می‌نامیم - همان علم حصولی است که در آن علم به مطلوب مادی به وساطت ماهیت ذهنی صورت می‌گیرد.

۱۱- نتیجه اولی که از مقدمات پیشین به دست می‌آید این است که علم حصولی - که همان مرحله تکون ماهیت است - اعتباری عقلی است که خطای نفس در تطبیق معلوم مجرد بر مطلوب مادی، عقل را مضطرب به آن اعتبار کرده است (ملاصدرا، ۱۹۸۱ م: ۶/۲۸۳؛ طباطبایی، ۱۴۲۰ ق، ب: ۲۹۶).

۱۲- ماهیات در مرتبه اول علم به صورت حدود وجودی معلوم مجردند که به تناسب استعداد نفس به علم حضوری ادراک شده‌اند. آن‌گاه عقل آن‌ها را از جای خودشان بیرون آورده و از روی خطاب در منازل مادی نشانده است؛ سپس آن را در مرحله دوم علم - که همان علم حصولی است - با اعتبار، در همه منازل ذهنی و خارجی،

ذهن در مقام تحلیل آن را از وجود جدا می‌کند، حکم می‌کند به این که اتصاف ماهیت من حیث هی به وجود، مجازی و بالعرض است (همان: ۳۴).

۷- وجود واسطه در ثبوت موجودیت برای «ماهیتِ موجوده» است، نه واسطه در عروض؛ البته چون وجود و ماهیت در خارج عین هماند، علیّت وجود برای موجودیت ماهیت علیّت تحلیلی است نه علیّت خارجی؛ به این معنی که ذهن واقعیت خارجی را تحلیل می‌کند و در این تحلیل ذهنی حیثیت وجود آن را علت تحقیق حیثیت ماهوی آن می‌داند (همان: ۵۶-۵۵).

۸- تحقق حقيقی «ماهیتِ موجوده» به وسیله وجود به معنای اصیل شدن این ماهیت نیست، زیرا فقط امری اصیل است که علاوه بر اصل موجودبودن موجودیت آن هم بالذات باشد، در حالی که تتحقق «ماهیت موجوده» «بالذات» نیست، بلکه «بالوجود» است (همان: ۷، ۵۰).

۹- «درست است که ماهیت من حیث هی مجعل نیست، اما ماهیت موجود، چون عین وجود است به جعل وجود حقيقةً مجعل است و همان گونه که لوازم وجود مانند وحدت و فعلیّت و تشخّص به جعل خود وجود حقيقةً جعل می‌شوند، ماهیت هم با جعل وجود واقعاً جعل می‌شود. متنهٔ دو جعل (جعل ترکیبی) در کار نیست» (همان: ۷۸).

اشکالات این دیدگاه در محور نهم و چهاردهم نظریهٔ مختار بیان خواهد شد.

۳- نظریهٔ مختار

نظریهٔ مختار در تفسیر دیدگاه صدرالمتألهین دربارهٔ اعتباری بودن ماهیت در ضمن چند محور ارائه می‌شود:

۱- ماهیت با وجود در خارج به نحوی خاص متّحد است:

«أن الماهية متحدة مع الوجود في الواقع نوعاً من الاتحاد» (ملاصدرا، ۱۹۸۱ م: ۵۶/۱).

متعلق به شیء دیگرند و زمین شورهزار و آینه فقط محل این صورند (طباطبایی، ۱۴۱۹ ق: ۱۶۷). البته باید توجه داشت که تحقق سوابی ماهیات مستلزم سفسطه یا عدم علم به عالم ماده نیست، زیرا همان طور که در محور هفتم بیان شد علم به عالم ماده از طریق حمل حقیقت و رقیقت و تطابق عالم مجرد بر عالم مادی حاصل می‌شود. برخی از اشکالات این دیدگاه در بحث «نقش ماهیت در قاعدة بسطیح الحقيقة» بیان خواهد شد.

۲- اعتباری بودن ماهیت از دیدگاه فیاضی

دیدگاه فیاضی راجع به اعتباری بودن ماهیت را می‌توان در ضمن محورهای زیر بیان کرد:

۱- ماهیت در خارج عین وجود است (فیاضی، ۱۳۸۷: ۲۷) و به عین موجودیت وجود حقيقةً موجود است (همان: ۴۹)، بنابراین از این لحظه هیچ یک بر دیگری تقدّم و تأثّر ندارند (همان: ۳۱).

۲- عینیت وجود و ماهیت به این معنی است که امر واقعی واحد هم مصدق وجود است و هم مصدق ماهیت (همان: ۲۷).

۳- عقل واقع واحد را به ماهیت و وجود تحلیل می‌کند و پس از آن در صدد فهم حکم هر حیثیت به طور جداگانه (فی نفسه) برمی‌آید.

۴- عقل در تحلیل خود به این مطلب پی می‌برد که وجود بذاته موجود است و اما ماهیت بذاته موجود نیست، بلکه به واسطه وجود موجود شده است (همان: ۳۲).

۵- اسناد وجود به ماهیت من حیث هی «اسناد الى غير ما هو له» است، اما اسناد آن به ماهیت موجود شده «اسناد الى ما هو له» است؛ چراکه ماهیت حقيقةً به تبع وجود موجود می‌شود (همان).

۶- مراد ملاصدرا از بالعرض یا مجازی بودن موجودیت ماهیت آن نیست که ماهیت در خارج حقيقةً موجود نیست، بلکه این است که وقتی

«كل وجود جوهرى أو عرضى يصحبه ماهية
كلية يقال لها عند أهل الله العين الثابت»
(همو، ١٩٨١ م: ٢٩٠ / ١).

از این رو عبارات او درباره نحوه موجودیت اسماء و صفات واجب تعالی و نیز اعیان ثابته در بحث فعلی مفید و راهگشایست.

۶- اولین مطلبی که از تنظیر صفات واجب تعالی به ماهیت (همو، ۱۳۶۰ ش، ۳۹-۳۸) و نیز تنظیر ماهیت به صفات واجب تعالی (همو، ۱۹۸۱ م: ۲۹۶-۲۹۷) به دست می‌آید اصل تحقق ماهیات در خارج است به طوری که سلب تحقق و موجودیت از آن‌ها صحیح نیست؛ چه این‌که صفات واجب هم در خارج عین واجب تعالی بوده و نمی‌توان اصل تحقق و موجودیت را از آن‌ها سلب کرد:

«فَكُمَا أَنَّ الْوِجُودَ مُوْجُودٌ فِي نَفْسِهِ مِنْ حِيثِ
نَفْسِهِ وَالْمَاهِيَّةِ لَيْسَ مُوْجُودَةُ فِي نَفْسِهَا مِنْ حِيثِ
نَفْسِهَا بَلْ مِنْ حِيثِ الْوِجُودِ فَكَذَلِكَ صَفَاتُ الْحَقِّ وَ
أَسْمَاؤُهُ مُوْجُودَاتٌ لَا فِي نَفْسِهَا مِنْ حِيثِ أَنفُسِهَا
بَلْ مِنْ حِيثِ الْحَقِيقَةِ الْأَحَدِيَّةِ» (هَمْوُ، ١٣٦٠ ش: ٣٩-٣٨)

۷- مطلب دومی که از این تنظیر متقابل به دست می آید نحوه موجودیت ماهیات در خارج است. از نظر صدرالمتألهین صفات الهی در ذات الهی متمدج‌اند:

«هي [اي: الصفات الالهية] معانٌ معقولٌ في غياب الوجود الحق تعالى لأنها مع كثرتها العقلية مندمجة فيها على نحو بسيط غاية البساطة» (همو، ١٩٨١: ٢/٣١٧).

با توجه به یکسان بودن نسبت موجودیت به ماهیات و صفات واجب تعالی این نکته به دست می آید که ماهیات نیز در وجودات خود مندمج آند. در برخی موارد صدرالمتألهین از این اندماج به استهلاک تعسی کرده است:

۲- این اتحاد به صورت یک نسبت اتحادی بین شیء متحصل و لامتحصل است، نظیر نسبتی که بین جنس و فصل برقرار است.
 فالنسبة بینهما اتحادية لا تعلقية و الاتحاد لا یتصور بین شیئین متحصلین بل إنما یتصور بین متحصل و لامتحصل كما بین الجنس و الفصل بما هما جنس و فصل لا بما هما مادة و صورة عقلیتان»
 (همان: ۱۰۰).

۳- در نسبت اتحادی باید اطراف اتحاد به وجودی واحد موجود باشند، نه این که یک طرف موجود و دیگری معلوم باشد و نه این که اطراف وجودات متعدد داشته باشند:

«التركيب الاتحادي بين الشيئين لا يقتضى أن لا يكون أحدهما موجوداً بل يقتضى أن يكون كلاًهما موجوداً[١] بوجود واحد لا بوجود دين متعدددين حين التركيب» (همان: ٥/٣٠٧).

«هـما [اي الجنس و الفصل] موجودان بوجود واحد و هكذا في كل عارض من عوارض الماهية كالشخص و الوجود و نحوهما» (همـو، ١٣٨٢ ش: ٩٣٠ / ٢).

۴- از مقدمات بالا نتیجه می‌شود که در هر ترکیب اتحادی مت Shank از امر متحصل و لامتحصل، امر لامتحصل - که در بحث کنونی همان ماهیت است - در خارج معلوم نیست و یک نحوه موجودیتی در مقابل عدم دارد: «متی تجلی وجود الحق الأحدی علی ماهیة من الماهیات المتباینة بحسب مفهومها و شیئيتها و لوازمهها. فصارت موجودة بوجوهه أو واجبة به حقاً بحقیقته» (همان: ۲/ ۳۵۲).

٥- ملاصدرا رابطة اسماء و صفات واجب تعالى
را با ذات او نظير رابطة ماهية وجود مى داند:
«والفرق بين ذاته و صفاتة كالفرق بين الوجود
و الماهية فى ذوات الماهيات» (همو، ١٣٦٠ ش: ٣٨-٣٩).

همچنین از نظر او ماهیت همان عین ثابت در دیدگاه عرفاست:

این است که آن معانی و ماهیات هم در این وجود اجمالی، به منزله شئون آن، وجود اندماجی داشته باشند.

از خواص وجود تفصیلی ماهیت این است که ماهیت نوعی هنگامی که به این وجود منتب است دارای آثار مطلوب آن نوع است، اما در وجود اجمالی و جمعی که وجودی شریف‌تر از وجود تفصیلی است، ماهیات در عین حال که وجود اندماجی دارند، آثار مطلوب آن نوع را ندارند:

«آن هذه الأنواع الممكنة أنها تباينت و تختلف إذا صارت موجودة بالفعل بوجوداتها الخاصة بوحد واحد منها على وجه يصدق عليها أحكامها و يتربّ عليها آثارها و أما قبل ذلك فلها الوجود الجمعي و هذا الوجود الجمعي نحو آخر من الوجود أرفع و أشرف من كل وجود عقلى أو مثالى أو خارجى» (همان: ۲۷۳).

این ویژگی سبب می‌شود تا حضور ماهیات به نحو اجمالی در ذات واجب تعالی محدودی نداشته باشد؛ چراکه چنین حضوری نه با بساطت واجب تعالی منافات دارد و نه موجب ترتیب آثار انواع ماهوی بر ذات باری تعالی می‌شود. صدرالمتألهین از این مطلب در تبیین قاعدة بسیط الحقيقة و علم پیش از خلقت پروردگار استفاده کرده است. توضیح این مطلب در مبحث نتایج نظریه مختار خواهد آمد.

۹- در هر اتحادی اگر جهت اتحاد به هر دو طرف بالذات نسبت داده شود، اتحاد دو طرف با یکدیگر بالذات خواهد بود مانند اتحاد زید و انسان که عین همان وجودی که به زید نسبت داده می‌شود به انسان هم منتب می‌شود و یا مانند اتحاد حیوان و انسان،^۲ اما اگر جهت اتحاد به یکی از دو طرف یا به هر دوی آنها بالذات منتب نباشد چنین اتحادی بالعرض خواهد بود (نک: همان: ۲/۹۴-۹۳، جوادی آملی، ۱۳۷۶ ش: ۷۴-

«إن الماهيات والأعيان الثابتة وإن لم تكن موجودة برأسها بل مستهلكة في عين الجمع سابقاً و في تفصيل الوجودات لاحقاً» (همان: ۳۵۰).

در حقیقت، همین اندماج است که مصحح انتراع مفاهیم متعدد از وجود واحد می‌شود چه در مفاهیم غیر ماهوی مانند علم، قدرت و حیات و چه در مفاهیم ماهوی مانند نطق و حیوانیت (نک: همان: ۲۹۶-۲۹۷).

۸- وجود محمولی که ماهیت در آن مندمج و مض محل می‌شود گاه وجود اجمالی است و گاه وجود تفصیلی. وجود تفصیلی شیء وجودی است که آن شیء را در مقام تحقق از سایر اشیاء متمایز می‌کند به طوری که این وجود فقط منتب به آن شیء است و سایر معانی و ماهیات با آن شیء در آن وجود شریک نیستند. مانند وجودی که مختص به ماهیت انسان است و در مقام تتحقق از وجود اسب و فیل متمایز است. صدرالمتألهین از این وجود گاه با عنوان وجود تفصیلی (همان: ۶/۱۸۶) و گاه با عنوان وجود خاص (همان: ۲۶۷)، یاد می‌کند؛ چه این‌که از وجود اجمالی گاه با عنوان وجود جمعی (همان: ۲۷۳) یاد کرده است. «ليس يلزم من تحقق كل معنى نوعي في موجود و صدقه عليه أن يكون وجوده وجود ذلك المعنى لأن وجود الشيء الخاص به هو ما يكون بحسب ذلك الوجود متميزاً عن غيره من المعاني الخارجي عن ماهيته وحده» (همان: ۲۶۷).

باید توجه داشت که ممکن است ماهیات و معانی متعددی در این وجود مندمج باشند، اما این وجود فقط وجود خاص و تفصیلی برخی از آن معانی و ماهیات است و نسبت به برخی دیگر، وجود اجمالی به حساب می‌آید (نک: همان: ۱۸۶). نکته‌ای که شایسته توجه است این است که لازمه این‌که یک وجود محمولی نسبت به برخی از معانی و ماهیات وجود اجمالی به حساب آید

و تعلق به غیر ندارد. اگر لفظ وجود یا موجود به معنای متداول آن بر شأن و وجود رابط اطلاق شود، در این صورت وجود رابط طرف و موضوع برای محمول «وجود» یا «موجود» قرار گرفته و از حالت ربط و شأن بودن بیرون می‌آید (نک: همان: ۱/۷۹)؛ به همین سبب، اگر برای این حیثیت نام موجود به کار برده شود یا به نحو استعمال مجازی است^۴ و یا به صورت اشتراک در لفظ است:^۵

«أن الحق أن الاتفاق بينهما [إى: بين الوجود المحمولى و الوجود الرابط] فى مجرد اللفظ» (همان: ٧٩).

این دو خصوصیت موجب شده تا صدرالمتألهین اسناد وجود را به حیثیت‌های اندماجی بالعرض بداند، چه حیثیات مندمج در وجود تفصیلی نظری ماهیات و صفات الهی: «فهی [ای: صفات‌هه تعالی] علی کثرتها و تعددها موجودة بوجود واحد من غير لزوم كثرة و انفعال و قبول و فعل. فكما أن وجود الممکن عندنا موجود بالذات، و الماهية موجودة بعين هذا الوجود بالعرض لكونه مصداقا لها، فكذلك الحكم في موجودية صفات‌هه تعالى بوجود ذاته المقدس، إلا أن الواجب لا ماهية له» (همو، ۱۳۶۳ ش: ۵۴-۵۵).

و چه حیثیات مندمج در وجود اجمالی نظر
اعیان ثابتة و ماهیات در مقام علم ذاتی واجب تعالی:
«أَنَّهَا [إِي: الْأَسْمَاءُ وَالصَّفَاتُ الْإِلَهِيَّ] مُوجَودَةٌ
بِوُجُودِ الْذَّاتِ بِالْعُرْضِ، وَكَذَا حُكْمُ مَا يَلْزَمُ الْأَسْمَاءَ
وَالصَّفَاتَ مِنِ النِّسْبَ وَالْتَّعْلِقَاتِ بِمَظَاهِرِهَا وَ
مَرْبُوبَاتِهَا وَهِيَ الْأَعْيَانُ الثَّابِتَةُ الَّتِي قَالُوا إِنَّهَا مَا
شَمَتْ رَائِحَةَ الْوُجُودِ أَبَدًا» (همو، ١٩٨١ م: ٦/٢٨٢).
بنابراین، در عین حال که ماهیت در واقعیت
خارجی مندمج است، اما آن واقعیت به ماهیت
قابل انتساب نیست، از این رو محور پنجم دیدگاه
فیاضی مبني بر این که اسناد وجود به ماهیت
موحد شده «اسناد الـ، ما هو له» است و ماهیت

۷۵). بنابراین اصل اتحاد دو شیء در وجود واحد مانع از تحقق بالذات دو طرف اتحاد نیست. در ترکیب اتحادی ماهیت وجود، ماهیت دو خصوصیت ویژه دارد که مانع اسناد بالذات موجودیت به آن می‌شوند؛ یک خصوصیت مربوط به ذات ماهیت است و دیگری مربوط به نحوه موجودیت آن.

خصوصیت اول این است که حقیقت و ذات ماهیت تحقق و موجودیت نیست و آنچه در ذات خود واجد موجودیت نباشد، نمی‌تواند با تأثیر و افاضهٔ غیر موجود شود؛ چراکه چنین چیزی مستلزم انقلاب محال در ذات و حقیقت شیء است:^۳

«أنها غير موجودة لا في حد أنفسها بحسب ذاتها
و لا بحسب الواقع لأن ما لا يكون وجودا ولا موجودا
في حد نفسه لا يمكن أن يصير موجودا بتأثير الغير و
إفاضته بل الموجود هو الوجود و أطواره و شئونه و
أنحاؤه و الماهيات موجوديتها إنما هي بالعرض بواسطة
تعلقها في العقل بمراتب الوجود و تطوره بأطوارها»
(ملاصدرا، ١٩٨١ م: ٣٤١).

البته چنین چیزی منافاتی با این مطلب ندارد
که ماهیت بدون حفظ استقلالی که در ذهن دارد،
در وجود مندک شده و به منزله ویژگی و چیستی
وجود، حیثیت لامتحصل واقعیت خارجی را
تشکیل دهد. توضیح این مطلب در محور دهم
خواهد آمد.

خصوصیت دیگر که مربوط به نحوه موجودیت ماهیت است این است که موجودیت ماهیت به نحو وجود اندماجی است و از نگاه صدرالمتألهین اگرچه وجود اندماجی در مقابل عدم به نحو موجود است، اما اطلاق واژه وجود بر آن صحیح نیست. آنچه موجب شده تا صدرالمتألهین لفظ «وجود» را بروجود اندماجی اطلاق نکند این است که وجود اندماجی شأن وجود محمولی و به تعییر دیگر وجود رابط است و شأن با همان وجود رابط حشته. غیر از ارتباط

با توجه به آنچه در محور قبل بیان شد، معنای این عبارت که در آن صدرالمتألهین به تعدد معنای موجودیت درباره وجود و ماهیت اشاره کرده روشن می‌شود، زیرا موجودبودن ماهیت به معنای وجود اندماجی و غیر مستقل ماهیت است، و موجودبودن وجود به معنای وجود محمولی آن است و همان طور که بیان شدن به کارگیری لفظ وجود در این دو معنی از باب اشتراک لفظی است؛ از این‌رو برداشت مطرح شده از معنای موجودبودن ماهیت صحیح نیست.

۱۱- در محور هشتم بیان شد که صدرالمتألهین وجود محمولی را به وجود تفصیلی و وجود اجمالی تقسیم می‌کند. نکته‌ای که در این محور ارائه می‌شود این است که همان طور که در نظر صدرالمتألهین واژه «وجود» مختص به وجود مستقل و محمولی است نه وجود رابط و اندماجی، در بین وجودهای محمولی هم به کارگیری این واژه به وجودهای تفصیلی اختصاص دارد نه وجودهای اجمالی، با این تفاوت که به کاربردن واژه وجود برای وجود رابط و اندماجی به سبب یک تحلیل فلسفی بود – که وجود رابط حکم‌پذیر نیست – و به کاربردن آن در وجودهای اجمالی به علت این است که عرف واژه وجود را در وجودهای اجمالی به کار نمی‌برد:

«إذا قيل كذا موجود في الخارج أو في الذهن أريد به الوجود التفصيلي لأنّه الوجود الذي يخصه تلك الماهية ولا يتحد معها فيه غيرها فإذا قيل وجود الفرس أريد به الوجود الذي يكون الفرس به بالفعل فرساً متميزة عن الإنسان والفييل والبقر وغيرها فأما الوجود البسيط الإجمالي الذي فرض أنه يصدق عليه مفهومات هذه الأنواع كلها متعددة بعضها مع بعض في ذلك الوجود مع تغيرها في المفهوم فذلك الوجود غير منسوب إلى شيءٍ من تلك المعاني والحقائق وأنه وجود له إذا العرف جار بأنه إذا قيل وجود كذا يفهم منه وجود المفصل الذي لا

حقیقتاً به تبع وجود موجود می‌شود، صحیح نیست؛ چراکه موجودیت ماهیت موجودیت اندماجی است و نمی‌توان موجودیت محمولی واقعیت خارجی را به آن اسناد داد.

۱۰- همان طور که در محور قبل بیان شد صدرالمتألهین در موارد بسیاری موجودیت را از ماهیت سلب کرده و فقط مجازاً و به نحو بالعرض ماهیات را موجود می‌داند (همان: ۳۴۱ / ۲). گاهی نیز به جای به کاربردن تعبیر «موجودیت مجازی و بالعرض»، این تعبیر را درباره ماهیات به کار می‌برد که آن‌ها به معنای دیگری از موجودیت موجودند:

«إنَّ الْمُوْجُودَ قَدْ يَطْلُقُ عَلَى نَفْسِ الْوِجْدَوْ وَ قَدْ يَطْلُقُ عَلَى الْمَاهِيَةِ الْمُوْجُودَةِ. وَ الْمُوْجُودُ بِالْحَقِيقَةِ هُوَ الْقَسْمُ الْأَوَّلُ ... دُونَ الْمَاهِيَةِ ... إِنَّمَا إِذَا اطْلَقُ عَلَيْهَا لَفْظَ «الْمُوْجُودَ» فَإِنَّمَا هُوَ بِقَصْدٍ ثَانٍ مِّنْ جَهَةِ ارْتِبَاطِهَا بِالْوِجْدَوْ» (همان: ۱۶۳).

این دو تعبیر موجب شده تا برخی محققان گمان کنند صدرالمتألهین هیچ نحوه تحقیقی برای ماهیات قائل نیست و هنگامی که از موجودیت ماهیات سخن گفته می‌شود معنای این موجودیت «صدق ماهیت بر وجود» است (عبدیت، ۱۳۸۵ ش: ۸۶-۸۵).

این برداشت از عبارات صدرالمتألهین صحیح نیست و در نظر او موجودیت اندماجی ماهیات هیچ منافاتی با موجودیت بالعرض ندارد، زیرا موجودیتی که بالعرض به ماهیت نسبت داده می‌شود همان موجودیت محمولی است که واقعیت خارجی را تشکیل داده است – یعنی همان موجودیتی که قائلان به اصالت ماهیت آن را به نحو حقیقی به ماهیت نسبت می‌دهند – و چنین چیزی منافاتی با این ندارد که ماهیت استقلال ذهنی خود را از داده و به نحو اندماجی در وجود محمولی اصیل منظوی باشد.

وجود محمولی مندمج‌اند و در حالی که این امور معدهم نیستند، استناد وجود به هر یک از آن‌ها بالعرض است:

«لیس معنی نفی الصفات عنہ تعالیٰ أنها غیر متحققة في حقه تعالیٰ لیلزم التعطیل ... بل المراد أن أو صافه و نعوته كلها موجودة بوجود واحد هو وجود الذات ... هي غير مجعلة بل متحققة بنفس تحقق الذات الواجبة اللامجعلة لا كما يقوله المعتزلة من أنها ثابتة منفكة عن الوجود إذ قد علمت أن القول بشيئية المعدومات باطل جداً بل كما وقع التنبیه عليه من أنها معان متکثرة معقوله في غیب الوجود الحق تعالیٰ متحدة في الوجود واجبة غير مجعلة و مع ذلك يصدق عليها أنها بحسب أعيانها ما شمل رائحة الوجود لما ثبت و تبين أن الموجود بالذات هو الوجود فهي ليست بما هي موجودة و لا معدومة و هذا من العجائب التي يحتاج نيلها إلى تلطیف شدید للسريرة» (همان: ۱۴۲-۱۴۴).

«اعلم أن الشيئية للممکن يكون على وجهين شيئية الوجود و شيئية الماهية و هي المعبرة عندهم بالبیوت» (همان: ۳۴۸/۲).

«لیس للماهیات الإمكانیة عند أهل الله و العارفین إلا الشیئیة الشبوتیة - لا الشیئیة الوجویدیة إلا على ضرب من المجاز» (همان: ۳۵۰).

«أن الماهية ثابتة في الممکن بالجعل المتعلق بوجوده - لا بـماهیته» (همان: ۲۸۲/۶).

شیئیت ثبوتی موجب شده تا در برخی تعابیر گفته شود ماهیات و سایر معانی کلی در عین حال که در خارج موجود نیستند، حکم و اثر دارند:^۶

«أن هذه الأمور الكلية و إن كانت معقوله فإنها معدومة العین موجودة الحكم» (همان: ۲۹۵/۲).

با توجه به مباحث مطرح شده، منظور از این گونه تعبیرها این است که ماهیات و معانی کلی وجود تفصیلی ندارند، اما شیئیت ثبوتی و وجود اندماجی دارند و به این اعتبار در خارج صاحب حکم و اثرند؛ در واقع مراد از معدوم بودن

یشارکه فيه غيره دون الوجود البسيط العقلی الذى يجتمع فيه مع ذلك الشيء أشياء كثيرة» (ملاصدرا، ۱۹۸۱ م: ۱۸۶-۱۸۷).

۱۲- در محور قبل بیان شد که صدرالمتألهین واژه «وجود» را بر خصوص وجود تفصیلی اطلاق می‌کند و از طرفی اطلاق عدم را به طور مطلق بر موجوداتی که در وجود اجمالی مندمج‌اند صحیح نمی‌داند. چنین چیزی موجب شده تا صدرالمتألهین برای وجود اندماجی عنوان ظهور و برای ماهیاتی که به این وجود موجود می‌شوند عنوان مظاهر را به کار گیرد:

«فرق بين كون الوجود مظهراً و مجلى لـماهية من الماهيات وبين كونه وجوداً لها إذ وجود كل ماهية هو ما يخص بها و يميزها عن غيرها كما مر في مثال الإنسان أعني الصورة الإنسانية النفسية و اشتتمالها مع وحدتها في الوجود لكثير من ماهيات الأنواع من غير أن يصير تلك الماهيات متصفه بهذا الوجود على النحو الذي توجد في الخارج بل لأن يكون هذا الوجود مظهراً لها و مجلى لأحكامها» (همان: ۲۷۲). از نگاه صدرالمتألهین ظهور واسطه بین مطلق وجود و عدم نیست، بلکه واسطه بین وجود تفصیلی و عدم است. از یک طرف، وجود اجمالی مانند وجود محمولی نیست تا عنوان «موجود» بر آن اطلاق شود و از طرف دیگر، عدم هم نیست. بدین صورت است که صدرالمتألهین واژه «ظهور» را در ادبیات فلسفه متعالی خود وارد می‌کند و از آن در تبیین برهانی دیدگاه عرفاً مدد می‌گیرد.

۱۳- یکی از اصطلاحاتی که به موجب موجودیت اندماجی در فلسفه صدرالمتألهین وارد می‌شود اصطلاح «ثبتت» یا «شیئیت ثبوتی» است. شیئیت ثبوتی در مقابل شیئیت وجودی قرار دارد و درباره موجودیت اسماء و صفات الهی، تحقق اعیان ثابتة در مقام علم واجب تعالیٰ و تحقق اندماجی ماهیات در وجودات تفصیلی مطرح می‌شود. وجه اشتراک هر سه مورد در این است که در همه این موارد ماهیات و معانی در یک

۴- نتایج تفسیر مختار در فلسفه صدرالمتألهین

صدرالمتألهین از نگاه ویژه خود درباره انحصار مختلف موجودیت ماهیت در موارد متعادل بهره جسته و برخی مسائل مهم فلسفی را به مدد آن تبیین کرده است؛ از این رو شایسته است تا به این موارد، بهمنزله نتایج دیدگاه صدرالمتألهین، اشاره شود:

۴-۱- نسبت دادن شرور به ماهیات

همان طور که بیان شد، ماهیات به لحاظ وجود اندماجی و یا همان شیئت ثبوتی که دارند معدهم نیستند و در عین حال که موجودیت محمولی ندارند دارای حکم و اثر متناسب‌اند. از جمله آثاری که صدرالمتألهین برای ماهیات معرفی کرده است منشیت آن‌ها برای شرور است:

«باعتبار شیئیة الماهیات و استناد لوازمهایها إلیها ينبع كثیر من الإشكالات. منها وقوع الشرور فى هذا العالم و صدور المعاصرى عن بعض العباد بسبب قصور عينه و تقىص جوهره و سوء استعداده» (همان: ۳۵۱).

از جانب دیگر، مجعلون بودن ماهیاتی که شیئت ثبوتی دارند موجب می‌شود تا تحقق شرور از حد شیئت ثبوتی و وجود اندماجی فراتر نرود و در عین حال مجعلون بوده و به واجب تعالی استناد پیدا نکند:

«أن الشر المحسن لا وجود له بل كل موجود من جهة وجوده خير محسن والشرية إنما ينشأ في قليل من الموجودات باعتبار ماهياتها بلا جعل وتأثير بل المجعل والمفاض هو وجود الأشياء ولا شرية في شيء باعتبار وجوده» (همو، بی‌تا: ۳۵).

بدین صورت است که شیئت ثبوتی ماهیات سپر استناد شرور به واجب تعالی قرار می‌گیرد (همان: ۳۵۰ / ۲).

آن‌ها در عبارت صدرالمتألهین عدم وجود تفصیلی آن‌هاست:

«... يقبل الحكم في الأعيان الموجودة ولا يقبل التفصيل ولا التجزى ...» (همان).

۱۴- همان طور که در محور نهم بیان شد، ماهیت در وجود محمولی تفصیلی مندمج است، اما آن وجود محمولی به ماهیت قابل انتساب نیست؛ همین امر موجب می‌شود تا جعلی هم که به آن وجود تفصیلی تعلق گرفته قابل انتساب به ماهیت نباشد (نک: همان: ۵۰/۶)، نظیر اسماء و صفات الہی که از موجودیت اندماجی برخوردارند و در عین حال مجعلون نیستند:

«تلک الأسماء و الصفات و متعلقاتهما كلها أعيان ثابتة في الأزل بلا جعل و هي وإن لم تكن في الأزل موجودة بوجوداتها الخاصة إلا أنها كلها متعددة بالوجود الواجبى وبهذا القدر خرجت عن كونها معدومة في الأزل ولم يلزم شیئیة المعدهم كما زعمته المعتزلة» (همان: ۲۸۳).

«إن الجعل والإفاضة إنما يجريان بالذات والأصالحة في نحو من أنحاء الوجودات لا في المفهومات الكلية كالأسماء والأعيان وكذا اللامجعلولية واللامفاضية إنما يتحققان في حقيقة الوجود لا في المعانى الكلية فهى كما أنها في المجعلولية تابعة للوجود أى بالعرض فكذا في اللامجعلولية فأسماء الله تعالى غير مجعلولة ولا لامجعلولة» (همان: ۲/ ۳۱۶).

با توجه به این مطلب، محور نهم دیدگاه فیاضی که «ماهیت موجود» را به دلیل عینیت با وجود حقیقتاً مجعلون می‌دانست صحیح نیست؛ چراکه ماهیت موجودشده دارای وجود اندماجی است و دارای وجود محمولی تفصیلی نیست تا حقیقتاً متعلق جعل باشد؛ از این‌رو هم وجود تفصیلی و هم جعل به نحو بالعرض به ماهیت نسبت داده می‌شوند.

... فالاحدية الواجبية منشأ الوجود المطلق والواحدية الأسمائية إله العالم وجودا و ماهيته فسبحان من ربط الوحدة بالوحدة و الكثرة بالكثرة و إلا لم يكن بين المؤثر و المتأثر مناسبة و هو ينافي التأثير و الإيجاد» (همان: ۳۳۱-۳۳۳).

چه این که همین شیئت ثبوتی و وجود اندماجی اسمای الهی و اعیان ثابتہ واسطه تحقق کثرت در موجودات ممکن‌اند:

«فتلك الصفات الإلهية كثيرة بالمعنى و المفهوم واحدة بالهوية و الوجود و لهذا قالوا أول كثرة وقعت في الوجود و برزخ بين الحضرة الأحادية الذاتية و بين كثرة الممكنات و المظاهر الخلقية للصفات هي كثرة الأوصاف و الأسماء الإلهية و هي غير مجعلة بل متحققة بنفس تحقق الذات الواجبة اللامجعلة لا كما يقوله المعتزلة من أنها ثابتة منفكة عن الوجود» (همان: ۶/۱۴۴).

۴-۳- نقش ماهیات در قاعدة بسیط الحقيقة و تأثیر آن در مسئله تطابق عوالم

در محور هشتم این نکته بیان شد که وجود اجمالی ماهیات در عالم ربوبی محدودی به دنبال ندارد؛ چراکه نه با بساطت واجب تعالی منافات دارد و نه موجب ترتیب آثار انواع ماهوی بر ذات باری تعالی می‌شود. ادله‌ای که صدرالمتألهین برای اثبات قاعدة بسیط الحقيقة اقامه کرده علاوه بر این که اصل کمالات وجودی موجودات ممکن را برای واجب تعالی اثبات می‌کند، شیئت ثبوتی ماهیات آن‌ها را نیز به اثبات می‌رساند؛ به عبارت دیگر، کلمه «اشیاء» در عبارت «بسیط الحقيقة كلّ الإشياء» شامل شیئت ثبوتی ماهیات نیز می‌شود: «الواجب تعالی هو المبدأ الفياض لجميع الحقائق و الماهيات فيجب أن يكون ذاته تعالی مع بساطته و أحاديته كل الأشياء» (همان: ۲۶۹-۲۷۰).

شیئت ثبوتی و وجود اندماجی ماهیات در ذات واجب تعالی موجب می‌شود تا واجب تعالی

۴-۲- تبیین ارتباط کثرت موجودات با وحدت واجب تعالی

چگونگی ارتباط کثرت موجودات امکانی با ذات واحد و بسیط واجب تعالی از دیگر مسائلی است که صدرالمتألهین با استفاده از شیئت ثبوتی وجود اندماجی ماهیات در علم حق تعالی به آن پاسخ داده است. از نگاه ملاصدرا اسماء و صفات متعدد الهی و به تبع آن اعیان ثابتہ در وجود ذات احادی واجب تعالی به ترتیبی خاص مندمج‌اند به طوری که اسماء و به تبع آن اعیان کلی بر اسماء و اعیان جزئی تر تقدم دارند، نظر اجناس بعيد و متوسطی که در ماهیت واحد با ترتیب خاصی مندمج شده‌اند (همان: ۶/۱۴۵-۱۴۶).^۷

کثرت اسماء و صفات الهی و به تبع آن اعیان ثابتہ موجب تعدد جهات تأثیر در ذات واجب تعالی نمی‌شود؛ چراکه سبب تعدد جهات تأثیر تعدد جهات وجود است؛ در حالی که ذات مقدس باری تعالی مرکب از جهات وجودی متعدد نیست (همان: ۲/۳۱۶-۳۱۷).

وحدت جهت تأثیر در واجب تعالی موجب می‌شود تا معلول واحدی از او صادر شود، و اسماء و صفات الهی و به تبع آن اعیان ثابتہ که با نظام و ترتیبی خاص در جهت تأثیر مندمج‌اند موجب می‌شوند تا آن معلول واحد دارای کثرت تشکیکی و نظام سبیی - مسجی - مطابق با علم ربوبی باشد؛ از این‌رو، شیئت ثبوتی اسماء الهی و اعیان ثابتہ مرتبط‌کننده وحدت واجب تعالی با کثرت مخلوقات است:

«فالوجود الحق الواجبى من حيث اسم الله المتضمن لسائر الأسماء منشأ لهذا الوجود الشامل المطلق باعتبار ذاته الجمعية و باعتبار خصوصيات أسمائه الحسنى المندمجة فى اسم الله الموسوم عندهم بالمقدم الجامع و إمام الأئمة مؤثر فى الوجودات الخاصة التى لا تزيد على الوجود المطلق فالمتناسبة بين الحق و الخلق إنما تثبت بهذا الاعتبار

است، از این رو علم او به ذات خود همان علم تفصیلی به موجودات مراتب پایین هم خواهد بود. در تقریری که علامه طباطبایی از تطابق عوالم دارد، موجود بالاتر فقط کمالات موجود پایین‌تر را دارد و خصوصیات، مقومات و ممیزات موجودات پایین‌تر را فاقد است. در این تقریر حمل اشیاء بر واجب تعالی در قاعدة بسیط الحقيقة حمل حقیقت و رقیقت است که اتحاد در اصل وجود و اختلاف در شدت و ضعف است (طباطبایی، ۱۴۲۰ق، ب: ۱۸۵؛ ملاصدرا، ۱۹۸۱م: ۱۱۰/۶). پر واضح است که در این تقریر موجود بالاتر فقط بر اصل کمالات موجود پایین‌تر منطبق می‌شود و در نتیجه علم موجود بالاتر به وجوده اختصاصی که مقوم و ممیز موجودات پایین‌تر است با مشکل جدی مواجه می‌شود.

اما بنا بر تقریر مختار، همه اشیاء و از جمله ماهیات با وجوده اختصاصی، مقومات و ممیزات خود در موجود بالاتر، وجود اندماجی و شیئت ثبوتی دارند و با همان حیثیات اختصاصی بر موجودات پایین‌تر منطبق می‌شوند و از آن‌ها حکایت می‌کنند. همان طور که بیان شد در این تقریر اشیاء به وجود اندماجی برای واجب تعالی اثبات شده و وجود تفصیلی آن‌ها از ذات مقدس او سلب می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

نظریه صدرالمتألهین درباره موجودیت ماهیت اعتباری به صورت‌های مختلفی تبیین شده است که می‌توان تبیین علامه طباطبایی را یک تبیین حداقلی نامید که در آن بهره ماهیت از موجودیت یک بهره سراب‌گونه و جعلی است. نقطه مقابل این دیدگاه تبیین فیاضی است که یک تبیین حداکثری از موجودیت ماهیت اعتباری است؛ به این معنی که بنا بر اصالت وجود برای ماهیت وجودی بالاتر از این نمی‌توان تصور کرد. در دیدگاه وی بهره ماهیت از موجودیت همان بهره

با تعقل ذات خود، ماهیات دیگر اشیاء را نیز تعقل کند و از این طریق به اشیاء و ماهیات آن‌ها پیش از خلقت‌شان علم ذاتی داشته باشد:

«لما کان علمه بذاته هو نفس وجوده و كانت تلك الأعيان [ای: الأعيان الثابتة] موجودة بوجود ذاته فكانت هي أيضاً معقوله بعقل واحد هو عقل الذات فهي مع كثرتها معقوله بعقل واحد كما أنها مع كثرتها موجودة بوجود واحد إذ العقل والوجود هناك واحد فإذا قد ثبت علمه تعالى بالأشياء كلها في مرتبة ذاته قبل وجودها» (همان: ۲۸۳).

به این ترتیب، آنچه در قاعدة بسیط الحقيقة برای واجب تعالی اثبات می‌شود وجود اندماجی اشیاء و آنچه از او سلب می‌شود وجود تفصیلی آن‌هاست:

«ان المسلوب عنه هو الشيء بحسب وجود الذى به يمتاز عن سائر الأشياء وهو وجود هذا الوجود الجماعي الإلهي» (همان: ۲۸۰).

شیئت ثبوتی و وجود اندماجی ماهیات در مقام علم ربوبی موجب می‌شود تا آن‌ها بتوانند مخاطب امر الهی «کن» واقع شوند و از بالاترین مراتب هستی نزول کرده و در مراتب پایین مستقر شوند (همان: ۳۴۹/۲-۳۵۰).

از طرف دیگر نیز سریان شیئت ثبوتی ماهیات در مراتب و منازل هستی موجب می‌شود تا عوالم هستی علاوه بر این که از طریق اصل وجود بر یکدیگر منطبق‌اند، از طریق این شیئت ثبوتی نیز با یکدیگر متطابق باشند و از این طریق حیثیت حکایت قاعدة بسیط الحقيقة از موجودات مراتب پایین تأمین شود. توضیح مطلب این است که:

از نظر ملاصدرا و بسیاری از فیلسوفان صدرایی، علم تفصیلی موجود بسیط و مجرد (چه ذات مقدس واجب تعالی و چه سایر موجودات مجرد) از موجوداتی که در مراتب پایین‌تر قرار دارند از طریق تطابق عوالم توجیه می‌شود به این صورت که موجودی که در مرتبه بالاتر قرار دارد در ذات خود متضمن موجودات مراتب پایین

۶. این تعبیر که ماهیات امکانی و اعیان ثابته موجود نبوده، اما دارای حکم و اثربند، از تعبیرات متداول عرفاست (نک: ملاصدرا، ۱۹۸۱ م: ۱۹۴ / ۲) که در مواضع متعدد صدرالمتألهین آن را تکرار کرده است.

۷. «آن هذه الصفات المتکثرة الكمالية كلها موجودة بوجود الذات الأحدية ... و تتبع من كل من هذه الصفات صفات أخرى مثل كونه حكيمًا غفورًا خالقا رازقا رءوفًا رحيمًا مبدئًا ... و هكذا قياس سائر الأسماء و الصفات غير المتناهية الحاصلة من تركيب هذه الأسماء و الصفات كتركيب الأنواع و الأصناف و الأشخاص من معانى ذاتيه كالأنجاس و الفضول الداخلية».

منابع

- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۶ ش). رحیق مختوم (شرح جلد دوم اسفار). قم: اسرا.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۲۰ ق، الف). بدایه الحکمة. تصحیح و تعلیق عباسعلی الزارعی السبزواری. قم: مؤسسه التشریع الاسلامی.
- _____ (۱۴۲۰ ق. ب). نهایه الحکمة. تصحیح و تعلیق عباسعلی الزارعی السبزواری. قم: مؤسسه التشریع الاسلامی.
- _____ (۱۳۸۸ ش). بررسی‌های اسلامی. به کوشش سید هادی خسروشاهی. قم: مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
- _____ (۱۴۱۹ ق). توحید علمی و عینی. مشهد: علامه طباطبایی.
- عبدیت، عبدالرسول (۱۳۸۵). درآمدی به نظام حکمت صدرایی (جلد اول). قم: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) و مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).
- فیاضی، غلامرضا (۱۳۸۷ ش). هستی و چیستی در مکتب صدرایی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

وجود از موجودیت است، اما به نظر نگارنده این دو تبیین نه با عبارات صدرالمتألهین سازگار است و نه با نتایجی که در فلسفه ملاصدرا بر موجودیت ماهیت مترتب شده است. تفسیر صحیح دیدگاه صدرالمتألهین این است که ماهیت در خارج معلوم نیست و یک نحوه موجودیتی در مقابل عدم دارد، اما موجودیتی متفاوت با موجودیت وجود که از آن به موجودیت اندماجی و یا شیئتی ثبوتی تعبیر می‌شود. موجودیت اندماجی معلوم نیست، اما نمی‌توان واقعیت تفصیلی خارج را به آن اسناد داد.

پی‌نوشت‌ها

۱. «فالماهیات المختلفة يختلف بها الوجود- نحوا من الاختلاف من غير أن يزيد على الوجود شيء - وهذا معنى قولهم إن الماهيات أنحاء الوجود- و إلى هذا الاختلاف ين溥 ما بين الماهيات الموجدة- من التمييز والبياننة - و اختلاف الآثار و هو معنى قولهم - إن الماهيات حدود الوجود».
۲. این نوع اتحاد (اتحاد بالذات) در مواردی است که معنای یکی از دو طرف عین یا جزء معنای دیگر باشد.
۳. معنای انتساب بالذات یک شیء به محمول این است که محمول از ذات شیء انتزاع شود و ماهیت حتی هنگامی که به وجود متصف است، محمول وجود از ذات آن انتزاع نمی‌شود از این رو این اتصاف، بالذات نیست.
۴. به این صورت که لفظ موجود که برای موضوع و طرف ارتباط به کار می‌رود به نحو مجازی برای خود ارتباط به کار رفته است، در این صورت معنای موجودبودن شأن یا وجود رابط این خواهد بود که موضوع و طرف آن موجود است نه خود آن (نک: ملاصدرا، ۱۹۸۱ م: ۳۲۹ / ۱).
۵. به این صورت که در اصطلاح دیگری لفظ وجود به معنای نسبت و ارتباط به کار برده شود نه به معنای تحقق و موجودیت به اصطلاحی که رایج است.

- _____ (۱۳۶۳ ش). المشاعر. به اهتمام هانری
کربن. تهران: کتابخانه طهوری.
- _____ (۱۳۸۲ ش). شرح و تعلیقیه صدرالمتألهین بر
اللهیات شغا. تصحیح تحقیق و مقدمه نجفقلی حبیبی.
تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا. چاپ اول.
- یزدان پناه، سید یادالله. (۱۳۸۸ ش). مبانی و اصول
عرفان نظری. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام
خمینی (ره).
- ملاصدرا، صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی (بی‌تا).
ایقاظ النائمین. با مقدمه و تصحیح محسن مؤیدی.
بی‌جا: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- _____ (۱۹۸۱ م). الحکمة المتعالیة فی الاسفار
العقلیة الاربعة. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- _____ (۱۳۶۰ ش). الشواهد الروبوية فی المناهج
السلوكیة. تصحیح و تعلیق از سید جلال الدین
آشتیانی. مشهد: المركز الجامعی للنشر.

فرم اشتراک

علاقه مندان به اشتراک دو فصلنامه علمی - پژوهشی «حکمت صدرایی» می توانند فرم زیر را تکمیل و به همراه فیش بانکی به مبلغ ۴۰/۰۰۰ ریال (به حروف چهل هزار ریال) بابت اشتراک سالانه نشریه، به شماره حساب: ۱۰۰۷ ۲۱۷۸۶۰۹۰۰ نزد بانک ملی ایران، شعبه بنفسه تهران، به دفتر مجله ارسال نمایند.

..... نام:

..... نام خانوادگی:

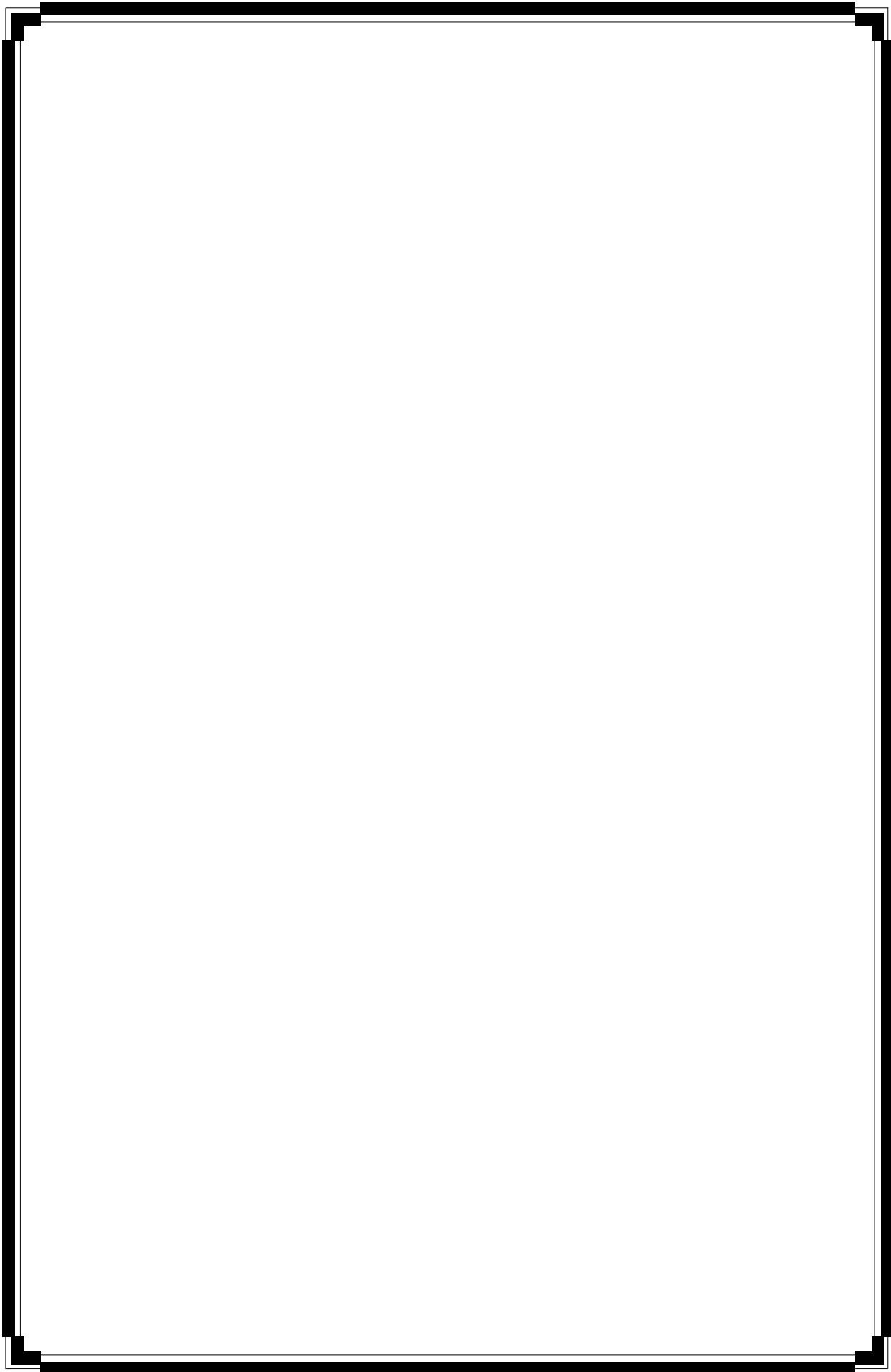
..... نشانی:

..... کد پستی:

..... شماره تلفن ثابت:

..... شماره تلفن همراه:

«رونوشت فرم قابل قبول است»



Biannual Research Journal
SADRĀ'I WISDOM

Vol. 3, No. 1, Autumn - Winter 2015

Contents

- Secondary Intelligibles in Suhrawardi's and Allameh Tabatabaei's Views / 9

Asadollah Azhir & Masoumeh Sourni

- Mulla Sadra on "divine metempsychosis" / 25

Seyed hasan bathayi

- The comparison of Bacon and Mulla Sadra's viewpoints about obstacles of knowledge / 39

Zohreh Tavaziany & Fatemeh Torkashvand

- Existence of Quiddity in Mulla Sadra's Philosophy / 55

Mohammad Hoseinzadeh

- The Ontological status of expanded grace in Transcendent Philosophy / 69

Seyyed morteza hoseini shahrudi & Fatemeh estesnaee

- Redefinition of philosophical concepts on the basis of Sadra's doctrine of personal unity of existence / 85

Ebrahim rastian & Hosein hooshangi

- Rereading Mulla Sadra's Ethical Theory on the Basis of Contemporary "Virtue Ethics"/ 97

Reza Rezazadeh & Parichehr Miri

- Knowledge and Mental Existence; A Pluralist Interpretation of Mulla Sadra's View / 109

Mohammad Saeedimehr

- Sadraian Monism / 125

Reza Safari Kandsari & Hussain valeh



**PAYAME NOOR
UNIVERSITY**



Imam Sadiq
University



University
of Allamah
Tabatabai



Iranian
Institute of
Philosophy



AL-Zahra
University



University
of Qom



University
of Isfahan

ISSN:

2322-1992

IN THE NAME OF ALLAH
THE MERCIFUL, THE COMPASSIONATE

Biannual Research Journal
SADRĀ'I WISDOM

Vol. 3, No. 1, Autumn - Winter 2015



**PAYAME NOOR
UNIVERSITY**

Editorial Board of This Issue (In Alphabetical Order)

Ali Reza Azhdar

Associate Prof of Payame Noor University

Ali Afzali

Associate Prof of Iranian Institute of Philosophy

Reza Akbari

Prof of Imam Sadiq University

Sayyed Mahdi Emamjomeh

Associate Prof of University of Isfahan

Zohreh Tavaziani

Associate Prof of Al-Zahra University

Mohammad Zabihi

Associate Prof of Qom University

Saeed Rahimian

Associate Prof of Shiraz University

Mohammad Saeedi Mehr

Associate Prof of Tarbiat Modarres University

Mohammad Ali Abbasian Challeshtori

Associate Prof of Payame Noor University

Sayyed Ali Alamolhoda

Associate Prof of Payame Noor University

Amir Abbas Alizamani

Associate Prof of Tehran University

Hossein Kalbasi Ashtari

Prof of Allameh Tabatabai University

Publisher

**PAYAME NOOR
UNIVERSITY**

Responsible Editor

Dr. Alireza Azhdar

Editor in Chief

Dr. Reza Akbari

Managing Director

Amirhosien
Mohammadpoor

Editor

Zohreh Fathi

Journal Expert

Reza Shokrollah Beygi

Publications Group - Tehran Payame Noor University - No:
233, Sepand Corner - Nejatollahi st. - Karim Khan Zand st.

Tehran - Tel. 88940006

<http://pms.journals.pnu.ac.ir>